

تحلیلی از نقش دین در جامعه

دین در راستای نقش هدایت و جهت دهی زندگی اجتماعی انسان در کنار توجه به ابعاد فردی بر اساس تعالیم الهی، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در کنار تامین نیازهای مادی انسان‌ها و افراد جامعه به نیازهای معنوی آنان نیز توجه می‌کند و پیشرفت مادی و معنوی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد.



دین در راستای نقش هدایت و جهت دهی زندگی اجتماعی انسان در کنار توجه به ابعاد فردی بر اساس تعالیم الهی، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در کنار تامین نیازهای مادی انسان‌ها و افراد جامعه به نیازهای معنوی آنان نیز توجه می‌کند و پیشرفت مادی و معنوی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد.

دین با پایه‌ریزی جامعه‌ای بر مبنای ارزش‌ها و باورهای انسانی و معنوی، نقش محوری و اساسی در ترسیم ساختارهای اجتماعی دارد. با این توضیح که دین و مذهب در حوزه اجتماعی به دنبال پی ریزی جامعه‌ای است که در آن ارزش‌ها و اصول انسانی و معنوی حاکم باشد و این ارزش‌ها و اصول در روابط اجتماعی افراد از کوچک‌ترین واحد اجتماع یعنی خانواده تا سطح کلان جامعه تبلور پیدا کند.

بدیهی است که بر اساس چنین جامعه‌ای، ساختار متناسب با آن باید ترسیم و پایه‌ریزی شود؛ به تعبیر دیگر دین در راستای نقش هدایت و جهت دهی زندگی اجتماعی انسان در کنار توجه به ابعاد فردی بر اساس تعالیم الهی، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در کنار تامین نیازهای مادی انسان‌ها و افراد جامعه به نیازهای معنوی آنان نیز توجه می‌کند و پیشرفت مادی و معنوی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد. برای رسیدن به این اهداف، باید ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متناسب و همسو با اهداف و آرمان‌های جامعه شکل بگیرد.

بنابراین، دین در پایه‌ریزی، شکل‌گیری و جهت‌دهی اجتماع در یک جامعه دینی که محور روابط اجتماعی بر اساس آرمان‌ها و اهداف ترسیم شده برای جامعه، تأثیری محوری و اساسی دارد.

لذا ساختارهای اجتماعی غیر دینی، در جامعه‌ای است که بر مبنای سکولاریسم شکل گرفته و دین را از عرصه اجتماعی کنار گذاشته است؛ زیرا ساختارهای اجتماعی در هر جامعه‌ای بر اساس مبانی معرفتی و اهداف آن جامعه شکل گرفته و با آن همسو و هماهنگ است. در نتیجه دین آثار و کارکردهای متعددی، علاوه بر حوزه فردی بر حوزه اجتماع دارد.

تأثیرات اجتماعی دین

کارشناسان و محققانی که در زمینه تأثیرات اجتماعی دین، پژوهش کرده‌اند، در مورد حوزه‌ها و گستره تأثیرات اجتماعی و فردی دین، نظریات مختلفی دارند. عده‌ای کارکردها، آثار و فواید دین را در امور فردی یا اخروی محدود کرده‌اند و عده‌ای هم خدمات و حسنات دین را به امور اجتماعی، عمومی و دنیوی نیز تعمیم داده‌اند. اما حق این است که دین به خصوص دین اسلام در گستره وسیعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، خصوصی و عمومی آثار مفید خود را نشان داده و می‌دهد. به نمونه‌هایی از کارکردها و اثرات اجتماعی دین اشاره می‌کنیم.

پاسخ به احساس تنهایی

یکی از احساسات مشترک انسان‌ها، احساس تنهایی است؛ بطوری‌که همه انسان‌ها از تنهایی رنج می‌برند. تنهایی در پنج بُعد مختلف قابل تصور است:

1. تنهایی جسمی: تنهایی به اقتضای زمان و مکان است. به عنوان مثال وقتی که در خانه یا مکانی تنها باشیم، احساس تنهایی می‌کنیم. هر چند این تنهایی در همه جا، ناراحت کننده نیست.

2. تنهایی رفتاری: بدین صورت که فرد به دلیل یک سلسله خصوصیت‌ها و ویژگی‌های روحی و رفتاری و همچنین خلق و خوی روانی، از دیگران فاصله می‌گیرد یا دیگران او را طرد می‌کنند و شخص در معاشرت، احساس تنهایی می‌کند؛ مانند پیرمردها و پیرزن‌ها که عمدتاً بین آنها و جوانان به خاطر خصوصیات روحی هر کدام، فاصله زیادی می‌انشان وجود دارد. این احساس تنهایی، ناراحت کننده است؛ گر چه قابل تحمل نیز است.

3. تنهایی روحی: بدین صورت که فرد احساس می‌کند که دیگران اوضاع و احوال او را درک نمی‌کنند؛ ولی فرد از جهت بُعد اجتماعی جایگاه بالایی دارد؛ اما استعداد مردم، در درک وضعیت او به فعلیت نرسیده است. این نوع تنهایی، با یافتن انسانی هم رتبه فرد تنها، قابل بر طرف شدن است؛ ولی در هر صورت رنج این تنهایی قابل تحمل است. البته این نوع تنهایی در نوابغ، اولیای الهی و عرفا، بیشتر دیده می‌شود.

4. تنهایی احساسی: بدین صورت است که فرد، تنها به دلیل احساسات قوی و نگاه واقع بینانه به اطراف خود، احساس می‌کند که دیگران، خالصانه او را دوست ندارند و احساس و احترام مردم نسبت به خود، یا به دلیل آداب و رسوم اجتماعی و یا برای رفع نیازهای طرف مقابل، می‌دانند.

5. تنهایی مصیبتی: انسان‌ها هنگامی که در مقابل مشکلات و مصایب قرار می‌گیرند و دیگران را نیز همانند خود در برابر مشکلات، رنجور و ضعیف می‌بینند، احساس تنهایی و ناامنی می‌کنند؛ به طوری که احساس می‌شود که گویا کسی توان حل این مشکلات را ندارد.

احساس تنهایی، به خصوص در تنهایی احساسی و تنهایی مصیبتی، منشاء عواقب بسیار زیادی است؛ از جمله اینکه انسان، احساس می‌کند هیچ مشکلی به وسیله انسان‌های دیگر حل نخواهد شد و این امر موجب می‌شود که نظام ارزشی از بین رفته و به دنبال آن، زندگی و حیات دنیوی بی‌معنا شود.

دین اسلام، با اعتراف به عظمت خدای متعال، به اقسام مختلف احساس تنهایی، پاسخ می‌دهد؛ زیرا خدایی که از درون ما با خبر است و به نیازهای ما آگاهی دارد، آن قدر به ما نزدیک است که از روان ناخودآگاه ما نیز با خبر است؛ «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ؛ بدانید که خدا میان آدمی و قلب او حایل می‌شود.» [1] «تَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ ما از رگ گردن هم به او نزدیک‌تریم.» [2]

لذا اگر کسی این احساس درونی را نسبت به خدای متعال داشته باشد، با مناجات و دعا و راز و نیاز، به او تقرب می‌جوید و به آرامش می‌رسد و از آفات احساس تنهایی که عمده آن اضطراب و نگرانی است، نجات پیدا می‌کند.

بنابراین، با اعتقاد به دین و ارزش و باورهای دینی می‌توان به احساس تنهایی انسان، پاسخ داد و یکی از نیازهای مشترک انسان‌ها را

برطرف کرد.

کنترل افراد جامعه

باورهای دینی، به ویژه اعتقاد به خدای متعال و حیات اخروی، ضامن اجرایی ارزش‌ها و هنجارهای دینی هستند و این ضمانت اجرایی، در کنترل جامعه و سلامت آن نقش به سزایی دارد.

به عبارت دیگر، افراد جامعه با دو روش، کنترل و نظارت می‌شوند؛ 1. نظارت بیرونی که از طریق احکام جزایی و انواع مجازات صورت می‌پذیرد. 2. نظارت درونی که از طریق باورهای اعتقادی تحقق می‌یابد و این نوع نظارت، علاوه بر هزینه کم، تأثیر و نقش بیشتری را ایفا می‌کند. [3]

آیات عذاب و رحمت الهی نیز مؤید همین مطلب است؛ «وَإِنَّ الَّذِينَ لَوَاقِعُ بِيْ شَكِّ جَزَايَ اَعْمَالِ وَاَقَعَ شَدْنِيْ اَسْتُ.» [4] «إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعُ» آن چه به شما وعده داده می‌شود، به یقین واقع شدنی است. [5]

مقدم داشتن منافع مهمتر دیگران بر منافع فردی

باورهای دینی، زمینه پیدایش انگیزه‌های معنوی، گذشتن از منافع فردی و توجه به منافع اجتماعی و در نتیجه فعلیت بخشیدن به انفاق و شهادت طلبی و گذشت و ایثار را باعث می‌شود.

نقش دین در زندگی اجتماعی

«همبستگی و وفاق، اساس و پایه یک زندگی اجتماعی است و از بین رفتن آن، باعث فرو ریزی ساخت جامعه و از هم پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود.» [6]

از طرفی، هر فردی بر اساس غریزه خود دوستی، به دنبال منافع خود است؛ گر چه منجر به ضرر و آسیب زدن دیگران شود. لذا این حالت غریزی، خواسته و یا ناخواسته باعث اختلاف و درگیری می‌شود.

آیت الله وحید خراسانی در تبیین کنترل رفتار اجتماعی به وسیله دین می‌فرماید: «انسان دارای شهوت و غضبی است که با غریزه زیاده خواهی، به هیچ اندازه و حدی، محدود نیست. اگر شهوت مال بر او غلبه کند، گنج‌های زمین او را قانع نمی‌کند و اگر شهوت مقام بر او چیره شود، حکومت زمین او را کفایت نمی‌کند، می‌خواهد پرچم قدرت خود را کماکان برافرازد.» [7]

اما دین با تبیین زندگانی دنیوی و مقدمه خواندن آن برای زندگی اخروی و نیز دعوت به گرایش‌های معنوی و تربیت خاص اخلاقی، زمینه این وحدت و همبستگی اجتماعی را مهیا می‌کند.

دین، همواره جامعه انسانی را به مسیر تعالی و رشد و توسعه دعوت می‌کند و از کژی‌های وسیع و خطرناک هشدار می‌دهد. پیامبران الهی همیشه این روش را در جوامع بشری به کار برده‌اند.

به عبارت دیگر آن گاه که مؤمن میان باور دینی و ایمانی خود با وضعیت امروز جامعه، تعارض و ناسازگاری مشاهده می‌کند و خواسته‌های حقیقی و اوضاع و احوال جامعه را ناسازگار ببیند، هیچ‌گاه به تغییر باور و ایمان دینی رضایت نمی‌دهد؛ بلکه سعی و تلاش خود را انجام می‌دهد تا جامعه را به وضع مطلوب نزدیک کند.

ابعاد مختلف اجتماعی احکام عبادی و معاملاتی دین اسلام، تقدیم حق جامعه بر فرد، تقدیم صلاح و مصلحت عمومی بر مصلحت فردی، تشویق به ایثار، فداکاری، تعاون و همکاری، توجه به اموال عمومی؛ مانند زکات، خمس و... و همچنین امنیت اجتماعی، همگی بر توجه دین نسبت به جامعه دلالت دارد؛ به طوری که جامعه مطلوب، خواهان آنهاست.

از میان بردن عقاید باطل و خرافاتی از جوامع انسانی

خرافات و عقاید باطل، بزرگترین مانع رشد و تکامل و پیشرفت انسان‌هاست؛ به طوری که از بین رفتن آنها، از مبارزه با شرک و بت پرستی، سخت‌تر است. تقلیدهای کورکورانه از باورهای باطل گذشتگان، مانند ماده پنداشتن فرشتگان، نگرش منفی به زن و فرزند گشی، زیاده خواهی مادی، تفاخر و ده‌ها بیماری دیگر، تنها به دست دین زدوده شده‌اند. [8]

علامه طباطبایی (ره) صاحب تفسیر المیزان در این باره فرموده است: «خصلت‌های نیکوی موجود در انسان‌های امروزی، هر چند اندک باشد، ناشی از تعلیمات دینی است.» [9]

البته امروزه نیز با خرافات و عقاید باطل و مدرن مواجه هستیم که از بین رفتن آنها، تنها به وسیله عمل کردن به دین اصیل اسلام میسر است.

نتیجه

بنابراین، دین در پایه‌ریزی و شکل‌گیری و جهت‌دهی اجتماع در یک جامعه دینی، تأثیری محوری و اساسی دارد؛ همچنان‌که ساختارهای اجتماعی غیردینی، در جامعه‌ای است که بر مبنای سکولاریسم شکل گرفته و دین را از عرصه اجتماعی کنار گذاشته است؛ زیرا ساختارهای اجتماعی در هر جامعه‌ای بر اساس مبانی معرفتی و اهداف آن جامعه شکل گرفته است و با آن همسو و هماهنگ است. در نتیجه دین آثار و کارکردهای متعددی، علاوه بر حوزه فردی بر حوزه اجتماع دارد. مثلاً: باورهای دینی، زمینه پیدایش انگیزه‌های معنوی، گذشتن از منافع فردی و توجه به منافع اجتماعی و در نتیجه فعلیت بخشیدن به انفاق و شهادت طلبی و گذشت و ایثار را باعث می‌شود.

ایمان و باور دینی، با پاسخ دادن به احساس تنهایی انسان، کارکرد مهم خود را نشان می‌دهد و یکی از نیازهای مشترک انسان‌ها را برطرف می‌کند.

از طرفی، باورهای دینی، به ویژه باور به خدای متعال و حیات اخروی، ضامن اجرایی ارزش‌ها و هنجارهای دینی هستند و این ضمانت اجرایی، در کنترل جامعه و سلامت آن نقش به سزایی دارد و باعث از بین خرافات و عقاید باطل نیز می‌شود.

از طرفی، همبستگی و وفاق، اساس و پایه یک زندگی اجتماعی است و از بین رفتن آن، باعث فرو ریزی جامعه و از هم پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود.

اما دین با تبیین زندگانی دنیوی و مقدمه خواندن آن برای زندگی اخروی و همچنین با دعوت به گرایش‌های معنوی و تربیت خاص اخلاقی، زمینه این وحدت و همبستگی اجتماعی را مهیا می‌کند.

ابعاد مختلف اجتماعی احکام عبادی و معاملاتی دین اسلام، تقدیم حق جامعه بر فرد، تقدیم صلاح و مصلحت عمومی بر مصلحت فردی، تشویق به ایثار، فداکاری، تعاون و همکاری، توجه به اموال عمومی مانند زکات، خمس و... و همچنین امنیت اجتماعی، همگی بر توجه دین نسبت به جامعه و اجتماع دلالت دارد؛ به طوری که جامعه مطلوب، نیز خواهان آنهاست.

منبع:

[1]. سوره انفال، 24

- [2]. سوره ق، 16
[3]. تفسیر موضوعی قرآن، ج 2، ص 545-546
[4]. سوره ذاریات، 6
[5]. سوره مرسلات، 7
[6]. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، ص 64-65
[7]. آیت ا... وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص 24
[8]. فی ظلال القرآن، ج 4، ص 2085
[9]. تفسیر میزان، ج 12، ص 151
عقیل مصطفوی مجد